



یکشنبه چهارم مهر ماه ۱۴۰۰

سال هفتاد و هفتم شماره ۲۲۲۹۰

روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

شامل: قوانین - مذاکرات مجلس شورای اسلامی - رویه‌های قضائی - عهدنامه‌ها - آئیننامه‌ها

WWW.RRK.IR

WWW.DASTOUR.IR

تصویب‌نامه‌ها - تصمیم‌نامه‌ها - اساسنامه‌ها و آگهیها

تک شماره ۴۵۰۰ تومان

صفحه	دستگاه اجراء کننده	تاریخ تصویب	عنوان مندرجات (قوانین و مقررات و مصوبات آراء وحدت رویه)
۱	وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی وزارت صنعت، معدن و تجارت	۱۴۰۰/۶/۲۸	تصویب‌نامه در خصوص تعیین آقای سیدرضا فاطمی‌امین به عنوان عضو شورای عالی کار
۱	وزارت امور اقتصادی و دارایی - وزارت نفت وزارت راه و شهرسازی - وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح - وزارت کشور وزارت آموزش و پرورش - وزارت جهادکشاورزی - سازمان برنامه و بودجه کشور	۱۴۰۰/۶/۲۸	آیین‌نامه اجرایی بند (ز) تبصره (۱) ماده واحده قانون بودجه سال ۱۴۰۰ کل کشور
۲	وزارت کشور - وزارت امور اقتصادی و دارایی وزارت نیرو - وزارت جهادکشاورزی - سازمان برنامه و بودجه کشور	۱۴۰۰/۶/۲۸	اصلاح بند (۳) تصویب‌نامه شماره ۴۵۸۹۶/ت/۵۹۰۰۹هـ مورخ ۱۴۰۰/۴/۲۸
۲	استانداری زنجان	۱۴۰۰/۳/۲۲	رای شماره ۱۰۸۰ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: آگهی آزمون جذب کارشناسان برای دهیارهای تابعه استان زنجان (به صورت قرارداد کار معین) در سال ۱۳۹۸ استانداری زنجان ابطال شد
۳	شعب دیوان عدالت و سایر مراجع اداری	۱۴۰۰/۳/۱۸	رای شماره ۱۰۸۱ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: اعلام تعارض عدم تأمین اعتبار از موارد اخراج موجه کارگر نمی‌باشد حکم به ورود شکایت صحیح می‌باشد
۴	معاونت برنامه‌ریزی و توسعه سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور	۱۴۰۰/۳/۲۵	رای شماره ۱۰۸۳ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: بند ۵ نامه شماره ۱۰۴۰۳ مورخ ۱۳۹۱/۴/۱۳ معاون برنامه‌ریزی و توسعه سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور ابطال شد

۱۴۰۰/۶/۳۰

شماره ۶۷۸۳۸/ت/۵۸۹۴۷هـ

وزارت امور اقتصادی و دارایی - وزارت نفت - وزارت راه و شهرسازی
وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح - وزارت کشور - وزارت آموزش و پرورش
وزارت جهادکشاورزی - سازمان برنامه و بودجه کشور

هیئت وزیران در جلسه ۱۴۰۰/۶/۲۸ به پیشنهاد شماره ۱۵۶۷۷۷ مورخ ۱۴۰۰/۴/۸ سازمان برنامه و بودجه کشور (با همکاری وزارتخانه‌های امور اقتصادی و دارایی و نفت) و به استناد بند (ز) تبصره (۱) ماده واحده قانون بودجه سال ۱۴۰۰ کل کشور، آیین‌نامه اجرایی بند مذکور را به شرح زیر تصویب کرد:

آیین‌نامه اجرایی بند (ز) تبصره (۱) ماده واحده قانون بودجه سال ۱۴۰۰ کل کشور

- ماده ۱- در این آیین‌نامه، اصطلاحات زیر در معانی مشروح مربوط به کار می‌روند:
- ۱- قانون: قانون بودجه سال ۱۴۰۰ کل کشور.
 - ۲- سازمان: سازمان برنامه و بودجه کشور.

قوانین و مقررات عمومی

۱۴۰۰/۶/۳۰

شماره ۶۷۸۶۰/ت/۵۹۱۷۸هـ

تصویب‌نامه در خصوص تعیین آقای سیدرضا فاطمی‌امین به عنوان عضو شورای عالی کار

وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی
وزارت صنعت، معدن و تجارت

هیئت وزیران در جلسه ۱۴۰۰/۶/۲۸ به پیشنهاد شماره ۹۹۱۸۸ مورخ ۱۴۰۰/۶/۱۳ وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و به استناد بند (ب) ماده (۱۶۷) قانون کار - مصوب ۱۳۶۹ - تصویب کرد:

آقای سیدرضا فاطمی‌امین به عنوان عضو شورای عالی کار تعیین می‌شود.

معاون اول رئیس‌جمهور - محمد مخبر

شماره ۶۷۸۷۶/ت/۹۱۱۵ هـ

۱۴۰۰/۶/۳۰

اصلاح بند (۳) تصویب نامه شماره ۴۵۸۹۶/ت/۵۹۰۰۹ هـ

مورخ ۱۴۰۰/۴/۲۸

وزارت کشور - وزارت امور اقتصادی و دارایی - وزارت نیرو
وزارت جهاد کشاورزی - سازمان برنامه و بودجه کشور

هیئت وزیران در جلسه ۱۴۰۰/۶/۲۸ به پیشنهاد شماره ۴۶۱۵۲/۵۴۵۷۲ مورخ ۱۴۰۰/۵/۲۳ معاونت حقوقی رییس جمهور و به استناد اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تصویب کرد:

در بند (۳) تصویب نامه شماره ۴۵۸۹۶/ت/۵۹۰۰۹ هـ مورخ ۱۴۰۰/۴/۲۸، بعد از عبارت "موظف است" عبارت "با رعایت ماده (۳۰) قانون برنامه و بودجه کشور - مصوب ۱۳۵۱ - الحاق می شود.

معاون اول رئیس جمهور - محمد مخبر

شماره ۹۹۰۱۵۷۵

۱۴۰۰/۵/۵

بسمه تعالی

جناب آقای اکبر پور

رئیس محترم هیأت مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

با سلام

یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۱۴۰۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۱۰۸۰ مورخ ۱۴۰۰/۳/۲۲ با موضوع: «آگهی آزمون جذب کارشناسان برای دهیاریهای تابعه استان زنجان (به صورت قرارداد کار معین) در سال ۱۳۹۸ استانداری زنجان ابطال شد.» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می گردد.
مدیرکل هیأت عمومی و هیأت های تخصصی دیوان عدالت اداری - یدالله اسمعیلی فرد

تاریخ دادنامه: ۱۴۰۰/۳/۲۲ شماره دادنامه: ۱۰۸۰ شماره پرونده: ۹۹۰۱۵۷۵

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکي: آقای سجاد کریمی پاشاکی

موضوع شکایت و خواسته: ابطال آگهی آزمون جذب کارشناسان برای دهیاری های

تابعه استان زنجان (به صورت قرارداد کار معین) در سال ۱۳۹۸ استانداری زنجان

گردش کار: شاکي به موجب دادخواستی ابطال آگهی آزمون جذب کارشناسان

برای دهیاری های تابعه استان زنجان (به صورت قرارداد کار معین) در سال ۱۳۹۸ استانداری زنجان را از زمان تصویب خواستار شده و در جهت تبیین خواسته به طور خلاصه اعلام کرده است که:

"ریاست محترم دیوان عدالت اداری

با سلام و احترام

۱- در بخش نهم دفترچه موضوع شکایت، فهرست شغل محلها ذکر شده و در آن اثری از دهیاریها دیده نمی شود. به عبارتی معلوم نیست که شرکت کنندگان در آزمون، جهت کار در کدام دهیاری و برای کجا آزمون می دهند. چرا که بیان شهر و بخش در این جدول خود محرزکننده فقدان تعیین محل کار است. همچنین این موضوع نافی شخصیت حقوقی مستقل دهیاری است و در آیین نامه استخدامی دهیاریها نیز در تأیید این موضوع حکمی وضع نشده کما اینکه اساساً چنین نوع از استخدام و بکارگیری آن هم برای کارکنان دهیاریها فاقد منطبق حاکم بر ساختار صحیح سازمانی نیز می باشد همچنین به لحاظ ابهام در مفاد عقد آزمون مخالف بند ۳ ماده ۱۹۰ قانون مدنی نیز خواهد بود زیرا مشخص نیست داوطلب برای به کارگیری در کدام دهیاریها آزمون خواهد داد.

۲- باتوجه به شخصیت مستقل هر دهیاری مشاغل هر یک از آنها مستقل و منحصر به همان دهیاری است. لذا امکان استخدام و جذب یک نفر برای تعدادی از دهیاریهای معارض با این شخصیت مستقل است. زیرا قرارداد کار مستخدم باید مستقل منعقد شود.

۳- بر اساس ماده ۱ اصلاحیه آیین نامه استخدامی کارکنان دهیاری مصوب ۱۳۹۸/۶/۲۶ که در زمان آزمون حاکم بود به کارگیری افراد در دهیاریها بر اساس ساختار سازمانی مصوب امکان پذیر دانسته این در حالی است که ساختار مصوب دهیاریهای موصوف ابلاغ نشده است و علاوه بر آن مستفاد از تبصره ۳ ماده ۱ این تصویب نامه اصلاحی چگونگی اجرای آزمون در دهیاریها به موجب دستورالعملی دانسته شده که توسط وزارت کشور تهیه و ابلاغ می شود. این در حالی است که چنین دستورالعملی به ترتیب ذکر شده هنوز وضع و ابلاغ نشده است و طرف شکایت بدون وجود آن اقدام به برگزاری آزمون کرده است از این رو برگزاری این آزمون اساساً فاقد مبنای قانونی و استناد است."

ماده ۲- وزارت نفت (از طریق شرکت های تابع) مکلف است مطابق اعلام سازمان، معادل یکصد و پنجاه هزار میلیارد (۱۵۰٫۰۰۰٫۰۰۰٫۰۰۰٫۰۰۰ ریال نفت خام به صورت ماهانه (یک دوازدهم) در اختیار پالایشگاهها قرار دهد تا متناسب با سهم مندرج در اجزاء (۱) تا (۶) بند (ز) تبصره (۱) قانون، مواد اولیه قیر (وکیوم باتوم) به دستگاه های اجرایی موضوع ماده (۳) این آیین نامه تحویل دهد.

تبصره ۱- تحویل نفت خام موضوع این ماده به پالایشگاهها در حکم صادرات است. سهم چهارده و نیم درصد (۱۴/۵٪) شرکت ملی نفت ایران از محل وصولی سایر سیاهه های صادراتی نفت خام به شرط عدم کاهش درآمدهای جزء (۱) بند (ب) تبصره (۱) قانون و بر اساس ماده (۱) قانون الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت (۲) - مصوب ۱۳۹۳ - با خزانه داری کل کشور تسویه می گردد.

تبصره ۲- وزارت نفت (از طریق شرکت های تابع) مکلف به تسویه حساب ارزش نفت خام تحویلی این ماده در حساب های فی مابین خود و خزانه داری کل کشور است. خزانه داری کل کشور نیز موظف به اعمال حساب مبلغ فوق الذکر در ردیف درآمدی (۲۱۰۱۱۲) جدول شماره (۵) قانون است.

تبصره ۳- مکان تحویل مواد اولیه قیر (وکیوم باتوم) تحویلی به دستگاه های اجرایی با هماهنگی دستگاه اجرایی و وزارت نفت (از طریق شرکت های تابع) تعیین می شود.
ماده ۳- سازمان مکلف است همزمان با اعلام به وزارت نفت، نسبت به ابلاغ و تخصیص اعتبار به صورت تملک دارایی های سرمایه ای از محل ردیف (۸۱ - ۵۲۰۰۰۰) جدول شماره (۹) قانون به دستگاه های اجرایی به شرح جدول زیر است:

ردیف	عنوان دستگاه اجرایی	مواد اولیه قیر (وکیوم باتوم) تحویلی (هزار میلیارد ریال)
۱	وزارت راه و شهرسازی	۷۲
۲	بنیاد مسکن انقلاب اسلامی	۳۰
۳	وزارت کشور (سازمان ذی ربط)	۲۵٫۵
۴	بسیج سازندگی سپاه	۹
۵	وزارت آموزش و پرورش (سازمان نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس کشور)	۹
۶	وزارت جهاد کشاورزی (سازمان جنگل ها و مراتع و آبخیزداری کشور)	۴٫۵

ماده ۴- فروش و سایر راه های انتقال مواد اولیه قیر (وکیوم باتوم) از جمله معاوضه و تهاتر توسط دستگاه های اجرایی به هر شکل ممنوع است و مواد دریافتی صرفاً باید به مصرف موارد ذکر شده در بند (ز) تبصره (۱) قانون برسد.

تبصره ۱- دستگاه های اجرایی موظفند هزینه های تبدیل مواد اولیه قیر (وکیوم باتوم) به قیر را از محل منابع مصوب مربوط خود (با اولویت منابع داخلی) تأمین نمایند. در صورت عدم تکفوی منابع داخلی، تهاتر حداکثر سی و چهار درصد (۳۴٪) از مواد اولیه قیر (وکیوم باتوم) برای پوشش هزینه های تبدیل مواد اولیه قیر (وکیوم باتوم) به قیر شامل سود منصفانه تولیدکننده، ضایعات، مالیات و عوارض ارزش افزوده بلامانع است.

تبصره ۲- مطالبات قطعی قیرسازان از دستگاه های اجرایی، ناشی از تغییرات قیمت زمان تحویل تا تسویه ریالی که در اجرای بند (ه) تبصره (۱) ماده واحده قانون بودجه سال ۱۳۹۷ کل کشور ایجاد شده است، با تأیید بالاترین مقام دستگاه اجرایی از محل سهمیه سال جاری با اولویت عملیات سال جاری قابل تسویه است.

ماده ۵- دستگاه های اجرایی موضوع ماده (۳) این آیین نامه مکلف به مبادله موافقتنامه با سازمان هستند.

تبصره ۱- دستگاه های اجرایی موظفند سهم استانها را ظرف دو ماه تعیین و به ادارات کل استانی خود اعلام نمایند. دستگاه های اجرایی با توجه به پیشرفت فیزیکی طرح ها و اولویت های مدنظر، مجاز به مدیریت و زمان بندی تخصیص مواد اولیه قیر (وکیوم باتوم) تحویلی به استانها هستند.

تبصره ۲- در خصوص وظایف وزارت راه و شهرسازی در شهرک های صنعتی، صرفاً تأمین مواد اولیه قیر (وکیوم باتوم) مورد نیاز برای آسفالت راه های دسترسی به شهرک های صنعتی تا درب ورودی این شهرکها است.

ماده ۶- دستگاه های اجرایی موضوع ماده (۳) این آیین نامه مکلف به ارائه گزارش در مقاطع زمانی سه ماهه به کمیسیون های انرژی، برنامه و بودجه و محاسبات و عمران مجلس شورای اسلامی و سازمان هستند.

معاون اول رئیس جمهور - محمد مخبر

متن مقرر مقرر مورد شکایت به قرار زیر است:

"استاندارداری زنجان با استناد به آیین‌نامه استخدامی دهیاری‌ها و مجوز شماره ۷۳۰۹-۱۳۹۸/۲/۱۸ معاونت امور دهیاری‌های سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور؛ به منظور تأمین نیروی انسانی مورد نیاز بخشی از دهیارهای استان زنجان از بین افراد واجد شرایط به صورت قرارداد کار معین از طریق برگزاری آزمون عمومی و تخصصی و مصاحبه، پس از طی مراحل گزینش و حراست، نیرو می‌پذیرد. (مفاد دفترچه راهنمای ثبت‌نام آزمون جذب کارشناسان برای دهیاری‌های تابعه استان زنجان به صورت قرارداد کار معین در ۱۳ صفحه شامل شرایط عمومی و اختصاصی داوطلبان، مواد آزمون، امتیازات و سهمیه‌های قانونی، مراحل ثبت‌نام، مراحل و نحوه اعلام نتیجه و حاوی یادآوری تذکرات مهم و شرایط احراز مشاغل و فهرست شغل محل می‌باشد.)

علیرغم ابلاغ نسخه دوم شکایت به شاک، تا زمان طرح پرونده در هیأت عمومی دیوان عدالت اداری پاسخی از سوی طرف شکایت واصل نشد.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۴۰۰/۳/۲۲ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

با توجه به اینکه اولاً؛ مطابق با ماده واحده قانون تأسیس دهیارهای خود کفا در در روستاهای کشور مصوب سال ۱۳۷۷ دهیاری‌ها شخصیت حقوقی مستقل داشته و در زمره سازمانها و نهادهای عمومی غیردولتی هستند و مطابق با تبصره ۲ قانون مذکور تعیین نحوه اداره امور و مقررات استخدامی دهیاری‌ها در صلاحیت هیأت وزیران دانسته است که هیأت وزیران به تصویب آیین‌نامه استخدامی اقدام کرده است (موضوع تصویب‌نامه شماره ۳۶۹۹/ت/۲۶۹۲۳ه - ۱۳۸۳/۴/۱۳ و اصلاحیه شماره ۷۸۳۳۵/ت/۵۵۳۴۳ - ۱۳۹۸/۶/۲۶) که به موجب تبصره ۳ ماده ۱ آن آیین‌نامه مقرر شده «بکارگیری افرادی که داوطلب خدمت در دهیاری‌ها می‌باشند به استثنای دهیار بر اساس مجوزهای صادره، تشکیلات مصوب و رعایت مراتب شایستگی و برابری فرصت‌ها از طریق آزمون انجام می‌شود. چگونگی اجرای آزمون در دهیاری‌ها به موجب دستورالعملی است که ظرف سه ماه از ابلاغ این آیین‌نامه، توسط وزارت کشور تهیه و ابلاغ می‌شود.» ثانیاً؛ مرجع صدور مجوز به کارگیری نیرو در دستگاه‌های اجرایی از جمله مؤسسات عمومی غیردولتی بر عهده سازمان اداری و استخدامی کشور می‌باشد و به موجب بند (ث) ماده ۷ قانون برنامه ششم توسعه اعطای مجوز هر نوع استخدام و به کارگیری نیرو در دستگاه‌های اجرایی منوط به آن است که بار مالی ناشی از آن قبلاً محاسبه و در قانون بودجه کل کشور تأمین شده باشد و در مورد آزمون مذکور به نحو فوق اقدام نشده و از این رو مدیر کل دفتر برنامه‌ریزی و مدیریت توسعه روستایی سازمان شهرداریها و دهیاری‌های کشور نیز به موجب نامه شماره ۲۳۳۰۲-۱۳۹۹/۶/۲۲ مجوز اخذ شده برای جذب کارشناسان را قبل از برگزاری آزمون غیرقابل استناد اعلام کرده است، بنابراین از آنجائی که آگهی مورد اعتراض که بدون اخذ مجوز قانونی برگزار شده است مغایر با قانون و خارج از حدود اختیارات است. مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری ابطال می‌شود. با اعمال ماده ۱۳ قانون پیش گفت و تسری ابطال به زمان تصویب مقرر مورد اعتراض موافقت نشد.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - محمد مصدق

شماره ۹۹۰۱۳۳۳

۱۴۰۰/۵/۵

بسمه تعالی

جناب آقای اکبرپور

رئیس محترم هیأت‌مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران
با سلام

یک نسخه از رأی هیأت‌عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۱۴۰۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۱۰۸۱ مورخ ۱۴۰۰/۳/۱۸ با موضوع: «اعلام تعارض عدم تأمین اعتبار از موارد اخراج موجه کارگر نمی‌باشد حکم به ورود شکایت صحیح می‌باشد.» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد.

مدیرکل هیأت‌عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - یدالله اسمعیلی‌فرد

تاریخ دادنامه: ۱۴۰۰/۳/۱۸ شماره دادنامه: ۱۰۸۱ شماره پرونده: ۹۹۰۱۳۳۳

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

اعلام‌کننده تعارض: آقای مهدی علی ویردی بیگی

موضوع: اعلام تعارض در آراء صادر شده از شعب دیوان عدالت اداری

گردش کار: در خصوص اعتراض به رأی صادره از اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی مبنی بر بازگشت به کار، شعب دیوان عدالت اداری به شرح زیر آراء متفاوتی صادر کرده‌اند.

گردش کار پرونده‌ها و مشروح آراء به قرار زیر است:

الف: شعبه ۶۳ بدوی دیوان عدالت اداری در مورد دادخواست آقای مهدی علی ویردی بیگی به طرفیت اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی شهرستان زنجان به موجب دادنامه شماره ۱۳۹۷/۱۰/۱۶-۹۷۰۹۹۷۰۹۰۲۰۲۹۹۱ به شرح زیر رأی به رد شکایت صادر کرده است.

"در خصوص دادخواست آقای مهدی علی ویردی بیگی به طرفیت خوانده در اعتراض به رأی شماره ۱۶۰۸ - ۱۳۹۵/۱۲/۱۱۴ با توجه به شرح شکایت و دفاع خوانده و اسناد و محتویات پرونده متشکله در اداره کار و اظهارات طرفین و همانگونه که در متن رأی مورد اعتراض استدلال شده است قطع رابطه کاری به جهت کاهش حجم کار و عدم نیاز قید گردیده است و ایراد و اعتراض موجه و مؤثری که خدش‌های به رأی وارد آورد از سوی کارگر ارائه نگردیده است علیهذا حکم به رد شکایت شاک می‌شود مستنداً به ماده ۶۳ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری صادر و اعلام می‌دارد و رأی صادره با توجه به اقامتگاه اعلامی ظرف مهلت ۲۰ روز پس از ابلاغ قابل تجدیدنظر در شعب دیوان عدالت اداری به درخواست هر یک از طرفین یا وکیل و یا قائم مقام قانونی آن‌ها خواهد بود."

این رأی به موجب دادنامه ۹۸۰۹۹۷۰۹۵۶۸۰۰۸۵۵-۱۳۹۸/۴/۱۹ در شعبه ۱۹ تجدیدنظر دیوان عدالت اداری تأیید شده است.

ب: شعبه ۶۵ بدوی دیوان عدالت اداری در مورد دادخواست آقایان حسین قاسمی به موجب دادنامه شماره ۹۶۰۹۹۷۰۹۵۷۳۰۲۳۷۰ - ۱۳۹۶/۱۰/۲۵ و آقای رحمان فتح‌اللهی به موجب دادنامه شماره ۹۶۰۹۹۷۰۹۵۷۳۰۲۳۶۵ - ۱۳۹۶/۱۰/۲۵ به طرفیت اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی شهرستان زنجان به شرح زیر رأی به ورود شکایت صادر کرده است:

"براساس بند ۲ ماده ۱۰ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری رسیدگی به اعتراضات و شکایات از آراء و تصمیمات قطعی هیأت‌هایی مانند هیأت حل اختلاف کار منحصراً از حیث نقض قوانین و مقررات یا مخالفت با آنها قابل فرجام خواهی در دیوان عدالت اداری است. با بررسی ادله و مدارک ابزازی و استدلالات به عمل آمده تخطی از ماده ۷ قانون کار و تبصره ۲ آن و ماده ۱۱۰ آیین دادرسی کار رخ داده است؛ زیرا اولاً ماهیت کار کارگران در مجموعه گنبد سلطانیه دارای صبغه استمراری بوده و بدون انعقاد قرارداد موقت و به صورت دائمی مشغول به کار بوده‌اند و الزام به انعقاد قرارداد موقت و عدم تأمین اعتبار در تأمین حقوق و مزایا از سوی دستگاه موجبی برای قطع رابطه همکاری موضوع رأی معترض‌عنه نمی‌باشد. ثانیاً رسیدگی در هیأت حل اختلاف می‌بایست در چارچوب اعتراض و به آنچه مورد حکم هیأت تشخیص قرار گرفته، صورت گیرد که در مانحن‌فیه این گونه نبوده لذا رأی صادره واجد ایراد تشخیص و به استناد ماده ۶۳ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری حکم به ورود شکایت و نقض رأی معترض‌عنه (نسبت به شاک و در محدوده اعتراض) صادر تا اعضاء هیأت با توجه به استدلال دیوان و بررسی جامع ادله و مدارک طرفین و انجام تحقیقات مقتضی مبادرت به رسیدگی مجدد نمایند. رأی صادره به استناد ماده ۶۵ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری ظرف ۲۰ روز از تاریخ ابلاغ قابل تجدیدنظرخواهی در شعب تجدیدنظر دیوان عدالت اداری است."

از آرای بدوی تجدیدنظرخواهی صورت نگرفته و آرای مزبور قطعی شده است.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۴۰۰/۳/۱۸ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

الف - تعارض در آراء محرز است.

ب - اولاً؛ به موجب ماده ۱۶۵ قانون کار جمهوری اسلامی ایران مصوب سال ۱۳۶۹: «در صورتی که هیأت حل اختلاف، اخراج کارگر را غیرموجه تشخیص داد، حکم بازگشت کارگر اخراجی و پرداخت حق‌السعی او را از تاریخ اخراج صادر می‌کند و در غیراین صورت (موجه بودن اخراج) کارگر، مشمول اخذ حق سنوات به میزان مندرج در ماده (۲۷) این قانون خواهد بود.» بر مبنای حکم مقرر در این ماده، مراجع حل اختلاف موضوع فصل نهم قانون کار صرفاً مرجع تشخیص موجه یا ناموجه بودن اخراج کارگر بوده و عهده‌دار تشخیص انطباق مستند بودن خاتمه کار کارگر با یکی از علل موجهه مقرر در قانون کار و یا سایر قوانین هستند. ثانیاً؛ براساس تبصره ۲ ماده ۷ قانون کار مقرر شده است که: «در کارهایی که طبیعت آنها جنبه مستمر دارد در صورتی که مدتی در قرارداد ذکر نشود، قرارداد دائمی تلقی می‌شود» و بنابراین در موارد مربوط به این تبصره، خاتمه قرارداد کار باید بر مبنای علل موجهه موضوع مواد ۲۱ و ۲۷ قانون کار صورت بگیرد و مواردی از قبیل عدم تأمین اعتبار یا

عدم نیاز به کار کارگر از موارد مقرر در مواد فوق و از مصادیق علل موجهه خاتمه کار به شرح مقرر در ماده ۱۶۵ قانون کار محسوب نمی‌شوند و بر همین اساس، دادنامه‌های شماره ۹۶۰۹۹۷۰۹۵۷۳۰۲۳۶۵ - ۱۳۶۵/۱۰/۲۵ و شماره ۹۶۰۹۹۷۰۹۵۷۳۰۲۳۶۵ - ۱۳۹۶/۱۰/۲۵ (صادر از شعبه ۶۵ دیوان عدالت اداری) که بر مبنای استدلال فوق، عدم تأمین اعتبار را از موارد اخراج موجه ندانسته و بر مبنای آنها حکم به ورود شکایت صادر شده است، صحیح و منطبق با موازین قانونی هستند. این رأی به استناد بند ۲ ماده ۱۲ و ماده ۸۹ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ برای شعب دیوان عدالت اداری و سایر مراجع اداری مربوط در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - محمد مصدق

شماره ۹۹۰۱۸۰۲

۱۴۰۰/۵/۵

بسمه تعالی

جناب آقای اکبر پور

رئیس محترم هیأت‌مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

با سلام

یک نسخه از رأی هیأت‌عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۱۴۰۰۹۹۷۰۹۵۸۱۱۰۸۳ مورخ ۱۴۰۰/۳/۲۵ با موضوع: «بند ۵ نامه شماره ۱۰۴۰۳ مورخ ۱۳۹۱/۴/۱۳ معاون برنامه‌ریزی و توسعه سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور ابطال شد.» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد. مدیرکل هیأت‌عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - یدالله اسمعیلی فرد

تاریخ دادنامه: ۱۴۰۰/۳/۲۵ شماره دادنامه: ۱۰۸۳ شماره پرونده: ۹۹۰۱۸۰۲

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکي: آقای سجاد کریمی پاشاکی

موضوع شکایت و خواسته: ابطال بند ۵ نامه شماره ۱۰۴۰۳ - ۱۳۹۱/۴/۱۳ معاون

برنامه‌ریزی و توسعه سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌ها کشور

گردش کار: شاکي به موجب دادخواستی ابطال بنده ۵ نامه شماره ۱۰۴۰۳ - ۱۳۹۱/۴/۱۳

معاون برنامه‌ریزی و توسعه سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌ها کشور را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که:

ریاست محترم دیوان عدالت اداری

با سلام و احترام؛ به استحضار می‌رساند سال‌ها است که این مقرر مرجعی برای پرداخت عیدی به کارگران شهرداری‌ها وفق قانون کار محسوب می‌شود، لیکن در قانون کار و قانون پرداخت پاداش و عیدی کارگران، مبنای محاسبه ماده واحده قانون نحوه پرداخت عیدی به کارکنان دولت مصوب ۱۳۷۴ حاکم است.

بنابراین بند ۵ مصوبه معترض‌عنه که متضمن توسعه دامنه شمول مفاد ماده واحده قانون مربوط به تعیین عیدی و پاداش سالانه کارگران شاغل در کارگاه‌های مشمول قانون کار مصوب ۱۳۷۰ مبنی بر پرداخت عیدی و پاداش به میزان شصت روز آخرین مزد به نسبت یک سال کار به کارگران شهرداری‌ها می‌باشد، مغایر قانون نحوه پرداخت عیدی به کارکنان دولت مصوب ۱۳۷۴ که براساس آن کارگران مشمول قانون کار شهرداری‌ها نیز مشمول پرداخت عیدی مشابه سایر کارمندان شده‌اند، می‌باشد.

متن مقرر مورد شکایت به قرار زیر است:

”مدیران کل محترم دفاتر امور شهری و شوراهای استانداری‌های کل کشور

با سلام و احترام

با عنایت به بخشنامه شماره ۱۵۲۳۲۷ - ۱۳۹۰/۱۲/۲۴ وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی موضوع مصوبه شورای عالی کار در خصوص حداقل مزد کارگران در سال ۱۳۹۱، به منظور ایجاد وحدت رویه مبتنی بر تعیین مزد شغل کارکنان مشمول قانون کار در شهرداری‌ها، مزد شغل کارگران از گروه ۱ الی ۱۶ براساس بخشنامه مذکور محاسبه و به شرح جدول پیوست ارسال می‌گردد، لذا خواهشمند است دستور فرمایید اقدامات ذیل معمول گردد.

۱- ...

۵ - عیدی پایان سال کارگران براساس مقررات کار و تأمین اجتماعی محاسبه گردد. /معاون برنامه‌ریزی توسعه

در پاسخ به شکایت مذکور، مدیر کل دفتر حقوقی و امور قراردادهای سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور به موجب لایحه شماره ۳۴۳۹۱ مورخ ۱۳۹۹/۸/۲۷ به‌طور خلاصه اعلام کرده است که:

”ریاست محترم دیوان عدالت اداری

با سلام و احترام

۱- طبق ماده ۱۱۷ قانون مدیریت خدمات کشوری، شهرداری‌ها به عنوان نهاد عمومی غیردولتی در زمره مستثنیات قانون مذکور قرار دارند و کماکان تابع قانون استخدام کشوری هستند که در این قانون شقوق استخدامی، رسمی، پیمانی و کارگری تعیین گردیده است.

۲- بخشنامه معترض‌عنه در راستای ماده ۶۲ قانون شهرداری‌ها و صرفاً به منظور هماهنگی در پرداخت به کارکنان مشمول قانون کار شهرداری‌ها که مطابق طرح طبقه‌بندی مشاغل کارگری مصوب سال ۱۳۷۲ حقوق و دستمزد دریافت می‌دارند صادر گردیده است. عیدی و پاداش کارگران مذکور نیز بر مبنای مفاد ماده واحده قانون مربوط به تعیین عیدی و پاداش سالانه کارگران شاغل در کارگاه‌های مشمول قانون کار مصوب ۱۳۷۰ تعیین و پرداخت گردیده، بنابراین بند ۵ بخشنامه معترض‌عنه موجد تکلیف یا امر جدیدی نمی‌باشد.

۳- منظور قانونگذار در ماده واحده قانون نحوه پرداخت عیدی به کارکنان دولت مصوب ۱۳۷۴ صرفاً تقسیم بودجه تخصیص یافته از بابت عیدی به کلیه کارگران مشمول قانون کار به صورت مساوی وفق قوانین و مقررات حاکم بر کارگران بوده و نه تعیین آن براساس میزان عیدی تخصیص یافته به کارمندان. ضمناً تصویب قانون نحوه پرداخت عیدی کارکنان دولت مصوب ۱۳۷۴ منافی پرداخت عیدی کارگران مشمول قانون کار وفق قانون تعیین عیدی و پاداش سالانه کارگران مصوب ۱۳۷۰ نمی‌باشد. آرای شماره ۵۷۵ - ۱۳۹۳/۳/۲۶، ۶۱۶ - ۱۳۸۹/۱۲/۲۳ و ۱۰۳ الی ۱۰۶ - ۱۳۸۸/۲/۲۰ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری نیز مؤید همین مطلب می‌باشند.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۴۰۰/۳/۲۵ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

اولاً: بند ۵ مکاتبه شماره ۱۰۴۰۳ - ۱۳۹۱/۴/۱۳ سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور صرفاً ناظر بر عیدی پایان سال کارگران شاغل در شهرداری‌ها بوده و براساس رأی شماره ۸۵۴ - ۸۵۳ مورخ ۱۳۹۹/۷/۸ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، کارکنان شهرداری‌های سراسر کشور (به غیر از شهرداری پایتخت) به لحاظ مقررات استخدامی مشمول قانون استخدام کشوری هستند و کلیه شهرداری‌ها به لحاظ پرداخت حقوق و مزایا نیز مشمول قانون نظام هماهنگ پرداخت کارکنان دولت بوده و کارکنان شهرداری پایتخت هم تحت شمول احکام مقرر در آیین‌نامه استخدامی شهرداری تهران مصوب ۱۳۵۸/۸/۱۲ هیأت وزیران قرار دارند. ضمن آنکه هرچند براساس ماده ۱۲۷ قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب سال ۱۳۸۶ مقرر شده است که: «کلیه قوانین و مقررات عام و خاص به جز قانون بازنشستگی پیش از موعد کارکنان دولت مصوب ۱۳۸۶/۶/۵ مجلس شورای اسلامی مغایر با این قانون از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون لغو می‌گردد»، ولی با عنایت به اینکه کارکنان شهرداری‌ها مشمول قانون مدیریت خدمات کشوری نیستند، بنابراین در حال حاضر ماده واحده قانون نحوه پرداخت عیدی به کارکنان دولت مصوب ۱۳۷۴/۱۰/۲۰ بر آنها حاکم بوده و موضوع از شمول حکم مقرر در رأی شماره ۱۰۳ الی ۱۰۶ مورخ ۱۳۸۸/۱/۲۰ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری خارج است. ثانیاً کارگران شاغل در شهرداری‌ها یا مستقیماً در استخدام شهرداری‌ها بوده و یا اینکه دارای قرارداد کار با پیمانکاران طرف قرارداد شهرداری‌ها هستند و کارگران گروه اول که مستقیماً با شهرداری‌ها قرارداد کار دارند، جزء مستخدمان شهرداری بوده و براساس ماده واحده قانون نحوه پرداخت عیدی به کارکنان دولت مصوب سال ۱۳۷۴ عیدی آنان باید همانند سایر کارکنان پرداخت گردد. ولی با توجه به اینکه کارگرانی که دارای قرارداد کار با پیمانکاران طرف قرارداد شهرداری‌ها هستند، مستخدم شهرداری‌ها محسوب نشده و مستخدم پیمانکاران بوده و تحت شمول قانون کار قرار دارند، بنابراین به لحاظ پرداخت عیدی نیز مشمول قوانین و مقررات کار و تأمین اجتماعی خواهند بود. بنابه مراتب فوق، اطلاق بند ۵ مکاتبه شماره ۱۰۴۰۳ - ۱۳۹۱/۴/۱۳ سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور که متضمن این حکم است که پرداخت عیدی به کلیه کارگران شاغل در شهرداری‌ها اعم از افرادی که مستقیماً با شهرداری‌ها قرارداد کار دارند و یا افرادی که دارای قرارداد کار با پیمانکاران طرف قرارداد شهرداری‌ها هستند، براساس قوانین و مقررات کار و تأمین اجتماعی خواهد بود، خارج از حدود اختیار و مغایر با قوانین فوق‌الذکر است و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - محمد مصدق